

علل و زمینه‌های

جنبش ۱۹۲۰ عراق علیه انگلستان

مصطفی کریمی

دانش‌آموخته تاریخ اسلام ورودی ۸۳ و دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات خلیج فارس دانشگاه تهران
Karimi_282@yahoo.com

چکیده

بی‌تردید یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های جهان مدرن، مسئله اسلام سیاسی است. خیزش موجهای متعدد اسلام سیاسی در سراسر جهان، از دیرباز توجه متفکران، صاحب‌نظران و تحلیلگران حوزه علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. این خیزشها که معمولاً تحت عنوان «بنیادگرایی اسلامی» بررسی می‌شوند، مسئله اساسی کشورهای خاورمیانه در طول قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به‌شمار رفته‌اند؛ اما در این میان جنبشهای شیعی که نوع خاصی از جنبشهای اسلامی به‌شمار می‌آیند، از جمله فراگیرترین و مؤثرترین حرکت‌های مردمی هستند که در راستای احیا و استقرار اندیشه‌های تشیع و مبارزه با حکومت‌های فاسد زمان که آنان را غاصب حاکمیت اسلامی می‌دانند، به پا خواسته‌اند و محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی که بر شیعیان اعمال شده، عاملی مهم در تسریع این حرکتها به حساب می‌آید. از جمله این خیزشها، جنبش اسلامی - شیعی عراق می‌باشد که در طی سالهای دهه ۱۹۱۰م به عنوان یک جنبش مقاومت در مقابل استعمار بریتانیا چهره شد و پس از یک دوره رکود، در دوران پادشاهی عراق (۱۹۲۰م تا ۱۹۵۸م) با روی کار آمدن دولت انقلابی عبدالکریم قاسم، وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود شد. در این مقاله سعی شده است که به بررسی جنبش ۱۹۲۰م یا «ثورة العشرين» که یکی از این جنبشهای اسلامی و ضد استعماری تاریخ عراق به‌شمار می‌آید، پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: عراق، جنبش ۱۹۲۰م، انگلستان.

مقدمه

سال از شروع جنگ جهانی اول، انگلستان با بهره‌گیری از ضعف عثمانی و متحدانش تا بغداد و کرکوک پیشروی کرد. این واقعه سرآغازی برای شکل‌گیری جنبشهای اسلامی ضد استعماری در تاریخ معاصر عراق شد. انگلیسیها در طول اشغال عراق علی‌رغم وعده‌هایی که برای استقلال به مردم این سرزمین می‌دادند؛ سیاستهایی را در پیش گرفتند که باعث نارضایتی شدید مردم عراق از آنها شد. این مسئله به همراه فعالیتهای ضد انگلیسی آیت الله شیرازی و علمای دیگری که اکثراً ایرانی بودند، باعث شکل‌گیری قیام بزرگ مردمی در سال ۱۹۲۰م در عراق شد که در طول پنج ماه

پس از جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی از انگلستان و متفقان آن، دودمان عثمانی برافتاد و دولت جمهوری ترکیه به جای آن اداره امور کشور را به دست گرفت ولی کشورهای فاتح، به ویژه انگلستان و فرانسه بخش بزرگی از متصرفات عثمانی را زیر استیلای خود قرار دادند. دولت انگلستان برای تأمین منابع گوناگون خود در منطقه خلیج فارس در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ کشوری به نام عراق را به وجود آورد. از آن تاریخ کشور نوبنیاد عراق، میراث دار عثمانی و همسایه غربی ایران شد. با گذشت سه

بیشتر مناطق این کشور را فرا گرفت. این قیام که در تاریخ معاصر عراق به «ثورة العشرين» شهرت یافت، تأثیر زیادی در حوادث بعدی تاریخ عراق به جا گذاشت.

این قیام، اولین حرکت ضد استعماری در عراق بود که بیشتر مناطق این سرزمین را فرا گرفت و اقوام و مذاهب و عشایر مختلف عراق در آن شرکت داشتند، اهمیت این قیام تا آنجاست که در نهایت، استقلال عراق را در سال ۱۹۳۲ م موجب شد.

زمینه‌های شکل‌گیری جنبش ۱۹۲۰ عراق

جنبش معروف ۱۹۲۰ م / ۱۲۹۹ ش عراق، اولین واکنش گسترده مردم عراق علیه سلطه و استعمار غربی بود. نقطه این جنبش با تصرف بصره در نخستین سال شروع جنگ جهانی اول بسته شد. اما اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷ م / ۱۲۹۶ ش، عدم وفای انگلیس به عهد خود (اعطای استقلال به عراق پس از جنگ جهانی اول)، تحت الحمايه کردن عراق طی یک فرآیند فرمایشی، تثبیت نظام قیمومیت انگلیس بر عراق در کنفرانس «سان ریمو» (۱) و به ویژه فتوای آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی مبنی بر اینکه هیچ‌کس جز مسلمان حق ندارد بر مسلمان حکومت کند، زمینه‌های تدریجی قیام مذکور را علیه انگلیس فراهم آورد. (۲)

درست هم‌زمان با فتح و اشغال استانهای عراق، نخستین اصول و مبادی مدیریت و اداره مملکت به شیوه انگلیسی در حال ارائه و اجرا بود. شیوه مدیریتی که بر عراق تحمیل گردید قطعاً شیوه تفکر افرادی بود که مورد حمایت اداره امور هند در انگلستان بودند و الگوی آنان عمدتاً همان ساختار امپراتوری بریتانیا در هند بود. فلسفه حاکم بر این گروه بر نظریه‌های ظرفیت سفید پوست (۳) رایج در قرن نوزدهم استوار بود؛ یعنی نظریه حکومت مستقیم و عدم اعتماد به توانایی عربهای بومی برای حکومت بر مردم و مملکت خود.

این طرز تلقی موجب شد که عربهای بومی به سمتهای پر مسئولیت گمارده نشوند و در نتیجه مدیریت به شیوه عثمانی هر چه سریعتر برچیده شده و از صحنه خارج شود. بنابراین منطقه بین النهرین به چندین ناحیه سیاسی تقسیم می‌شد که هر ناحیه زیر نظر یک افسر انگلیسی اداره می‌شد، بالاترین منصب اداری نیز در کنترل انگلیسیها بود (۴) و این افسران یا مأموران ارتشی بودند یا از کارکنان سایر مستعمرات انگلیس که اغلب جوان بوده و تجربه‌ای در اداره امور مدنی نداشته و

رفتارهای خشن داشته و به مردم آزار می‌رسانیدند. (۵) قانون مدنی و جزایی تازه‌ای بر مبنای قوانین انگلیسی - هندی جای قوانین کهنه ترکی را گرفت، رویه هندی واسطه مبادلات ارزی گردید و نیروی نظامی و انتظامی از افراد هندی (غیر بومی) تشکیل شد. (۶) بنابراین انگلیسیها در اداره عراق، سیاستهایی را در پیش گرفتند که موجب نارضایتی بیشتر مردم عراق را از آنها فراهم ساخت و زمینه‌های قیام ۱۹۲۰ م را هموار کرد، به عنوان مثال اداره انگلیس در عراق تابع حکومت انگلیس در هند بود و به همین دلیل انگلستان تلاش بسیاری کرد تا تعداد زیادی از هندیها را به عراق کوچ دهد و یک طبقه اجتماعی جدید در آن کشور تشکیل دهد که مورد اطمینان آنها باشد و هر کجا که لازم باشد از آنها استفاده کنند. از این رو سیاست مهاجرت دادن هندیها برای استخدام در امور مربوط به حکومت انگلیس در عراق و دادن امتیازهای اجتماعی و اقتصادی به آنها، باعث تسلط انگلستان بر جامعه عراق شد. (۷) همچنین انگلیسیها در نظر داشتند که عراق جنوبی و مرکزی (بصره و بغداد) را جزئی از هند و تابع ایالت بمبئی کنند. (۸)

به طور کلی انگلستان بر اساس سیاست همیشگی خود یعنی «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، میان اقوام و مذاهب مختلف عراق یعنی شیعیان، اهل سنت، کرد و عرب، سیاستهای تفرقه افکنانه را در پیش گرفت و در پی تشدید اختلافات قومی و مذهبی بود؛ با این هدف که این اختلافات را به اختلافات اجتماعی - سیاسی تبدیل کند. (۹) علاوه بر این مسائل، پایه‌های اولیه این جنبش اسلامی با آغاز محدودیت جنبش جهاد یعنی به دنبال جنگ «الشعبیه» همراه بود، به طوری که دیدارها و کنفرانسهای متوالی بین شماری از عمای نجف و کربلا و رهبران عشایر در شهرهای «الشامیه»، «الناصریه»، «الشطره» و ... و در مناطق فرات میانه منعقد شد و دیدگاه حاکم در آن، آمادگی برای انقلاب ضد انگلیسی و جنگ با آنها بود. اما شکل عملی این مقاومت بعد از اشغال عراق به طور مشخص تری در اواخر سال ۱۹۱۷ م و اوایل ۱۹۱۸ م شکل گرفت و مدت مدیدی مبارزات سیاسی و نظامی قوی با نیروهای اشغالگر انجام شد که مهم ترین آنها مبارزات مسلحانه موقتی بود که «انقلاب نجف» در خلال ماههای مارس تا آوریل ۱۹۱۸ م آنها را رهبری کرد و رویارویی‌های سیاسی که با فرآیندومی که انگلیس در اواخر سال ۱۹۱۸ و اوایل ۱۹۱۹ م انجام داد هم‌زمان بود؛ پس از آن مبارزه سراسری مسلحانه‌ای که انقلاب بیستم در خلال ماه ژوئن تا نوامبر ۱۹۲۰ م آن را رهبری کرد و اوج مبارزات سیاسی و مسلحانه ضد انگلیسی را تشکیل داد. (۱۰)



رهبران جنبش و نقش آنها

رهبری سلسله قیامهای دهه دوم قرن بیستم میلادی و قیام ۱۹۲۰م/ ۱۲۹۹ش عراق با روحانیت به ویژه آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی مرجع بزرگ شیعیان بود؛ زیرا بر اساس فتوای ایشان: (۱) مردم در جهاد عمومی علیه انگلیس در زمان اشغال بصره شرکت کردند. (۲) در پایان جنگ جهانی اول از شرکت در فراندوم انگلیس در تأیید و تثبیت تحت الحمایگی عراق خودداری ورزیدند. (۳) به دستور معظم له «کمیته حیدری» مرکب از روحانیون برای هدایت انقلاب مسلحانه ضد انگلیسی تشکیل شد. (۱۱) در دوران رهبری وی در کربلا دو مجلس که یکی «شورای عالی جنگ» که متشکل از ۵۰ تن از علما و دیگری «انجمن علمی» که متشکل از شماری از بزرگان شهر کربلا و رؤسای عشایر و شیخ محسن ابوالمحاسن بود، در کربلا تأسیس شد که نظارت این دو مجلس بر عهده امام شیرازی بود. (۱۲) تا سال ۱۹۲۰م میرزا محمدتقی شیرازی به عنوان مرجع بزرگ تقلید شیعه، جنبش عراق را رهبری می‌کرد؛ ولی پس از مرگ او شریعت اصفهانی در آن مقام جای گرفت و در نخستین اعلامیه خود نوشت: «مرگ شیرازی سبب هیچ‌گونه سستی در مبارزه علمای شیعه ضد حکومت بیگانگان نخواهد شد». دوران ریاست شریعت اصفهانی معروف به «شیخ الشریعه» دیری نپایید و او پس از چند ماه در همان سال ۱۹۲۰م درگذشت. در این هنگام هیچ مرجع تقلید مطلق و بی‌رقیبی وجود نداشت؛ تنی چند از مجتهدان برجسته بودند که همه نام و احترامی کم و بیش برابر داشتند و همه در جنبش ملی عراق درگیری یافتند. (۱۳)

اما نقش علما در بسیج عمومی و راهنمایی مردم و نیز در مطرح نمودن اهداف و شعارهایی بود که منعکس کننده محتوای اسلامیت جنبش (انقلاب) بودند و این نقش طی نظارت مستقیم آنها بر اعلام انقلاب و هدایت آن تجلی یافت و نقش و تأثیر خطبا و شاعران در مناطق قبیله‌ای در مساجد و حسینیه‌ها بود که به مراکز بسیج دینی و سیاسی تبدیل گشته بود. علما و رهبران جنبش، توجه ویژه‌ای به اعلامیه‌های مکتوب داشتند و از آغاز جنبش به صدور اعلامیه‌ها و توزیع آنها در بین مردم اقدام

کردند و «انجمن علمی - دینی» کمیته‌ای را تحت عنوان کمیته «الارشاد و الدعاة» برای نظارت بر صدور اعلامیه‌ها و ابلاغیه‌ها و مطبوعات انقلاب تأسیس نمودند. این اعلامیه‌ها که اخبار مناطق مختلف را نقل می‌کردند، دربر دارنده مقالاتی در زمینه بسیج عمومی و راهنمایی‌هایی بودند که روزانه منتشر می‌شدند و شیخ محمد باقر الشیبی نظارت بر آنها را بر عهده داشت. (۱۴)

تحول مهم دیگر در این زمینه، انتشار دو هفته‌نامه در شهر نجف بود؛ یکی تحت عنوان «الفرات» که شیخ باقر الشیبی بر آن نظارت داشت و پنج شماره از آن منتشر شد و دیگری تحت عنوان «استقلال» که سید محمد عبدالحسین بر آن نظارت داشت و هشت شماره از آن منتشر گردید. این دو هفته‌نامه، به‌خصوص الفرات، منعکس کننده بیانیه و اعلامیه‌هایی بود که با نظارت کمیته «الارشاد و الدعاة» منتشر می‌شدند و دیدگاه‌های رهبری دینی و مفهوم اسلامیت جنبش و استقلال را منعکس می‌کردند. (۱۵)

آثار منفی احتمالی خروج انگلیس از عراق و تأثیر آن بر روابط انگلستان با همسایگان عراق

انگلیسیها حاضر نبودند به سادگی خاک عراق را ترک کنند؛ چون خروج انگلستان آثار منفی عدیده‌ای بر روابط بین انگلستان با همسایگان عراق می‌گذاشت. در یکی از گزارشهای وزارت امور خارجه انگلستان، این آثار منفی به شرح ذیل آمده است:

(۱) سوریه: احتمال اشغال عراق توسط ترکهای عثمانی وجود داشت، در این صورت ترکها با اشغال عراق، فشار زیادی را متوجه فرانسویان اشغالگر سوریه که متحد انگلستان بودند، وارد می‌کردند.

(۲) فلسطین: خروج بریتانیا از عراق بیرون رفتن آن دولت را از ماورای اردن نیز اجتناب ناپذیر می‌ساخت و در نتیجه اقدامات ترکها بر ضد فلسطین آسان‌تر صورت خواهد



کرد و راه موفقیت برایشان بازتر خواهد شد. (۱۶)

انگیزه‌ها و علل شکل‌گیری جنبش

علل، عوامل و انگیزه‌های بسیاری باعث شعله‌ور شدن و شکل‌گیری جنبش ۱۹۲۰م عراق شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. اشغال خاک عراق توسط یک کشور بیگانه.
۲. رسوایی پی در پی و نیرنگ انگلستان در اجرای تعهداتی که در سال ۱۹۱۷م اعلام کرده بود.
۳. خشم و انزجار شدید اهالی عراق به‌خصوص ساکنان شهرها و عشایر فرات میانه.
۴. نقش علما در توسعه دامنه مقاومت و هدایت آن و بسیج مردم عراق و ایجاد حالت دشمنی شدید با انگلیسیها. (۱۷)
۵. مداخلات خارجی آلمان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا و سیاست غلط انگلستان در عراق. (۱۸)
۶. اصرار و لجاجت تشکیلات اداری انگلیس برای گرفتن مالیات از هر محصول کشاورزی و محصولات باغات که مورد نفرت فقرا و ثروتمندان بود. (۱۹)
۷. استخدام افسران اداری ناوارد و جوان در سیستم اداری شهرستانهای عراق که با روحیه و خصائص ملت عراق ناآشنا بودند؛ در حالی که اداره پستهای اداری مراکز دولت، به دست کارمندانی از شوروی خدمات اداری دولت هند واگذار شده بود. (۲۰)
۸. مهم‌ترین عاملی که احساسات ملی و میهنی را در دل اعراب برانگیخت، اظهاراتی بود که سیاستمداران انگلستان و متفقین در دوران جنگ ابراز داشتند. مثلاً بیانیه «ژنرال مود» که تعهد کرده بود عراق را از هرگونه تسلط خارجی نجات خواهد داد. همچنین نطق «لوید جورج» در سال ۱۹۱۸م و اصل دوازدهم اصول «ویلسون» رئیس‌جمهور آمریکا و قبل از آن بیانیه مشترک فرانسه و انگلستان در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸م. (۲۱)
۹. برپایی دولت عربی در سوریه، میهن پرستان عراقی را واداشت تا به همسایگان سوری خود به عنوان حامیان خویش در مقابل اشغالگران انگلیسی بنگرند. (۲۲)
۱۰. اختلافات خصوصی میان «ویلسون» که در رأس تشکیلات غیر نظامی قرار داشت و «هلداین» که فرمانده کل نظامی بود، از مهم‌ترین عوامل بروز ناآرامیها بود که این عامل باعث بی‌اعتمادی و نبودن همکاری میان نظامیان و غیرنظامیان انگلیسی شد که در نتیجه منجر به ضعف سیاست انگلستان گردید که خود از علل شعله‌ور شدن انقلاب ۱۹۲۰م شد. (۲۳)

پذیرفت و برای فرانسویان بسیار گران تمام خواهد شد. انگلستان حفظ فلسطین را از جهات گوناگون دیگر لازم می‌دانست؛ زیرا اولاً: فلسطین حائلی بود میان فرانسه (در سوریه) با کانال سوئز؛ ثانیاً: در صورت اجبار انگلستان به تخلیه کانال، فلسطین خط عقب نشینی دفاعی بریتانیا را تشکیل می‌داد و ثالثاً: وسیله کمکی مؤثر برای حفظ خطوط ارتباطی بریتانیا با هند و خاور دور بود.

۳) حجاز: خروج بریتانیا از عراق سبب ایجاد تحریکاتی در حجاز می‌شود که ممکن است آل‌سعود و ادریسها را مجبور کند که با ترکها سازش و از آنان دلجویی کنند، بدین ترتیب از نفوذ انگلستان کاسته شده، شرایط، ناگوارتر خواهد گردید.

۴) مصر: خروج بریتانیا از عراق به مصریها این باور را می‌دهد که دولت انگلستان بر حفظ مواضع خویش در عراق نتوانا نیست و این باور مسلماً مصریها را تشویق خواهد کرد که نفوذ انگلستان را از مصر ریشه‌کن کنند.

۵) سودان: اگرچه سودانیها مصریان را دوست ندارند ولی خروج بریتانیا از عراق سبب خواهد شد که سودانیها در خدمت جنبش ملی‌گرایی مصر درآیند و خروج انگلستان از سودان را نیز بخواهند.

۶) ایران: درباره اثرات خروج بریتانیا از عراق بر ایران در گزارش انگلیسیها چنین آمده است: مدارک و دلایل بسیار و کاملاً قابل اعتمادی وجود دارد که ثابت می‌کند روسها پولهای فراوانی در راه تهییج افکار عمومی ایرانیها بر ضد بریتانیای کبیر صرف می‌کنند، تا گونه‌ای حکومت کمونیستی در ایران برپا سازند که آن کشور را مانند ایالت‌های قفقاز به طور کامل در خدمت منافع خود درآوردند. بنا بر اطلاعات، روسها پیشنهاد کرده‌اند که یک قرارداد سری نظامی با دولت ایران امضا کنند تا بدان وسیله روسها مجاز باشند که نیروی نظامی خود را از راه ایران به بین‌النهرین بفرستند که اگر دولت پادشاهی انگلیس از عراق بیرون رود، بدون شک روسها بلافاصله فعالیت‌های خود را در ایران دو برابر خواهند



وقایع و حوادث جنبش

اولین جرقه انقلاب، «عملیات الرمیثه» بود که در نتیجه بسیج عمومی و تحریک مردم و نیز دعوتهایی که علمای نجف، کربلا و رهبران عشایر فرات میانه برای قیام به انقلاب بود. عملیات الرمیثه در ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰م به وقوع پیوست که گروهی مسلح از عشیره «الظوالم» به پایگاه حاکم سیاسی انگلیس در الرمیثه حمله کردند و توانستند رئیس خود «شیخ شعلان ابوالجون» را آزاد کنند. (۲۴) با توجه به این مسئله نیروهای اشغالگر از همان ابتدا با آن برخورد نمودند و از همین زمان بود که دامنه عملیات نظامی به سرعت به اکثر مناطق فرات

میانه گسترش یافت. به طوری که عشایر مسلح، به قطع راه آهن بغداد-بصره، محاصره افسران رابط و نیروهای پشتیبانی نظامی و بیرون راندن آنها از بیشتر روستاها و دهات و حاکمیت بر تمام شهرهای فرات میانه اقدام کردند و در طی پنج ماه دامنه این انقلاب به بیشتر مناطق عراق کشیده شد و علاوه بر استقرار آن در سه شهر اصلی یعنی کربلا، حله و دیوانیه، به فرات (جنوب و شمال) و سپس دو استان «المنتفک و بعقوبه» امتداد یافت، همچنین به منطقه «دلتاوه» در شمال بغداد و شهرهای مندلی، شهریان، خانقین، کرکوک و اربیل نیز کشیده شد و آیت الله سید محمد صدر به فعالیت چشمگیری در تشویق بعضی از عشایر و ساکنان «دلیم»، «سامرا» و «دیالی» پرداخت که بیشتر از مسلمانان سنی مذهب بودند. (۲۵)

شمار نیروهای مسلح عشایر و ساکنین شهرها که در انقلاب مشارکت داشتند بر اساس منابع انگلیسیها بین ۱۳۱ تا ۱۳۵ هزار نفر تخمین زده شده است. در حالی که تعداد نیروهای بریتانیا در آغاز انقلاب (ژوئن ۱۹۲۰م) به ۹۰ هزار نفر می‌رسید که طی انقلاب از حمایت نیروهای کمکی و ذخیره‌ای برخوردار بودند. (۲۶)

با شروع پاییز ۱۹۲۰م نیروهای بریتانیا دست به یک حمله گسترده به مواضع انقلابیان در فرات میانه زدند که روز ۱۲ نوامبر آغاز این حمله بوده است و تقریباً با گذشت بیش از یک ماه توانستند بر این منطقه حاکمیت داشته باشند و مردم را وادار به تسلیم کرده بودند که جنبش عملاً با امضای پیمانی (۲۷) مبنی بر توقف جنگ در ۲۰ نوامبر «۱۹۲۰م» بین قبایل «بنی‌احجیم» و نیروهای انگلیسی به پایان رسید. (۲۸)

آثار و پیامدهای جنبش

اگر چه انگلیسیها غالباً ادعا می‌کنند که جنبش ۱۹۲۰م هیچ‌گونه تغییری در سیاستهای انگلستان ایجاد نکرده است، اما شواهد، این ادعا را از همه جهت تأیید نمی‌کند. ثورة العشرین با وجود آنکه به هدف اصلی خود یعنی بیرون کردن اشغالگران انگلیسی از عراق و رسیدن این سرزمین به استقلال نرسید و سرانجام توسط انگلیسیها سرکوب شد؛ اما این قیام تبعات و پیامدهایی برای مردم عراق و نیز تأثیراتی برای انگلیسیها به دنبال داشت. بنابراین می‌توان گفت که مهم‌ترین آثار و پیامدهای جنبش ۱۹۲۰م عراق عبارتند از:

۱. این قیام برای دولت بریتانیا به قیمت جان بیش از ۴۰۰ نفر و حدود ۴۰ میلیون پوند استرلینگ تمام شد.
۲. قیام ۱۹۲۰م بسیاری از اموری را که توسط مدیران اجرایی در طول پنج سال گذشته انجام شده بود، درهم ریخت و در اواخر این دوره وجهه انگلستان را به کلی درهم شکست.
۳. این جنبش گرچه استقلال عراق را فراهم نیاورد و اقتدار واقعی را به دست مردم عراق نسپرد، اما موفق شد تا سیاست اداره امور هند در انگلستان را به کلی بی اعتبار کند و موجب همکاری هرچه بیشتر مردم عراق در تأسیس نخستین حکومت ملی خود شود.
۴. برجسته‌ترین دستاورد این جنبش این بود که هزینه سیاست «اداره امور هند» را برای مالیات دهندگان به خود انگلستان برگرداند. پس از این جنبش، پرداخت هزینه‌ای که دولت انگلیس برای اداره غیر مستقیم عراق در نظر داشته بود، برای مردم انگلیس خوش آیند نبود. (۲۹)
۵. ایجاد وحدت و همبستگی در میان اقوام و مذاهب مختلف عراق (وحدت میان عرب، کرد، شیعه و سنی).
۶. رشد آگاهی سیاسی مردم عراق: برپایی اجتماعات، مذاکرات علما و رؤسای عشایر، نامه‌های مجتهدان و بیانیه‌ها همگی باعث رشد آگاهی سیاسی مردم عراق شد.
۷. شکست طرحهای انگلستان در عراق و تغییر سیاست آنها. (۳۰)
۸. اسلام به عنوان دین، عقیده، فرهنگ و ایدئولوژی سیاسی، بخش اعظم اهالی مسلمان عراق را تشکیل می‌داد. از این رو اسلام، عامل اساسی در موضع‌گیری مسلمانان و مبارزه آنان با اشغالگران و طرحهای سلطه‌جویانه بر عراق



محسوب می‌شود. (۳۱)

۹. این جنبش باعث شد تا عراقیان به اهمیت نیروهای خود در همکاری و فعالیت هماهنگ که حتی انگلستان با تمام امکاناتی که در اختیار داشت نمی‌توانست در مقابل آن ایستادگی کند، پی ببرند.

۱۰. بروز دادن نقاط ضعف و چند دستگی ملت عراق، معرفی رهبران نهضت ملی عراق به مردم و همچنین ضررهای سنگینی که این جنبش به کشور عراق وارد ساخت، از دیگر پیامدهای این جنبش به شمار می‌رود. (۳۲)

۱۱. تضعیف موقعیت انگلیس در خاورمیانه.

۱۲. تشکیل دولت موقت عراق و انتصاب فیصل به عنوان پادشاه عراق یکی دیگر از پیامدهای مهم قیام ۱۹۲۰م عراق می‌باشد. (۳۳)

دیدگاه‌های عمده در مورد جنبش ثورة العشرين

درباره جنبش ۱۹۲۰م دو دیدگاه مشخص وجود دارد:

۱) انگلیسیها آن را قیامی، اندکی بیش از یک شورش قبیله‌ای و بومی، که با هیجانهای ملی‌گرایانه نشئت گرفته از سوریه برپا شده بود، دانسته‌اند.

۲) دقیق‌ترین دیدگاه عراقی این است که این شورش یک انقلاب ملی‌گرایانه اصیل بوده که در میان تلاشهای عقیم و شکست خورده مردم عراق در جهت بیرون راندن حکومت منفور انگلستان، نخستین خیزش محسوب می‌شده است. (۳۴)

اهداف کلی جنبش ۱۹۲۰م عراق و دیگر جنبشهای ضد استعماری شیعیان در منطقه خلیج فارس

جنبشهای شیعی در یک تعریف کلی، به جنبش اجتماعی و سیاسی و رفتار گروهی برای نیل به یک هدف اجتماعی یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌شود. (۳۵) موج بیداری اسلامی در منطقه خلیج فارس به دنبال حرکت‌های استقلال طلبانه و ناسیونالیسم در جهان عرب، شیعیان منطقه را نیز تحت تأثیر هر چه بیشتر قرار داده است؛ اما نباید فراموش کرد که تشیع، ماهیتاً پویا و انقلابی بوده و عوامل محیطی، تنها نقش کاتالیزور را در فعال کردن آتش زیر خاکستر بر عهده داشته‌اند. به هر حال دشواریهای اجتماعی که همواره بر زندگی شیعیان حکم فرما بوده است، هیچ‌گاه نتوانست تأثیر آنان را بر سیر وقایع سیاسی و

اجتماعی خنثی کند. حضور شیعه در محیط اجتماعی پیرامون خود، فعالانه و تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که موضع‌گیریهای آنان (اعم از رهبریهای دینی و پایگاههای مردمی)، نیروی بنیادی در زندگی سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رفته است. (۳۶)

این جنبشها که خواهان تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی- اجتماعی جوامع خویش می‌باشند، از یکسو در تقابل با حکومت‌های داخلی و از سوی دیگر، در تضاد با امپریالیزم غرب ظاهر می‌شوند. در حقیقت این جنبشها در دو جبهه می‌جنگند؛ از یک طرف برای پاک کردن جامعه خویش می‌کوشند و به سازمانها و تشکیلات موجود که به نظر آنها شایسته اسلام راستین نیستند، حمله می‌کنند و از طرف دیگر، ضد حکومت استعماری که به طور کلی مخالف آن بودند، دست به جنگ مسلحانه می‌زدند و هدف آنها از این اعمال در دو جبهه، ایجاد یک حکومت اسلامی بود. (۳۷)

به لحاظ ساختاری، جنبشهای شیعی، به دلیل عامل مرجعیت و رهبری فرهمند مراجع تقلید، از سازمان‌دهی و تشکل منظم‌تری به نسبت دیگر جنبشهای اسلامی برخوردارند. از آنجا که شیعیان طی مراحل مختلف تاریخ حیات خود، همواره جناح مخالف و معارض نظام بودند و آن را مشروع و قانونی نمی‌دانستند، بر سرنگونی آن و جایگزینی نظام امامت تلاش می‌کردند. از این رو، سازمان‌دهی و تشکیلات نزد آنها یک اصل کلی و ضرورت‌گریز ناپذیر بود و تقریباً در هر مرحله، رهبر واحدی داشتند که به هدایت و ارشاد آنان می‌پرداخت. به همین علت، در بین شیعیان برخلاف اهل سنت، حرکت‌های تکررانه و فردی کمتر دیده می‌شود. (۳۸)

بنابراین در این حرکتها، عامل رهبری اهمیت قابل توجهی دارد. همین عامل رهبری، باعث شده تا جهان تشیع، مرز مشخصی نداشته باشد و گاه حرکت‌های شیعی کشوری، توسط رهبران مذهبی در کشور دیگر هدایت شود. نمود بارز این هم‌آوایی را در نهضت مشروطیت ایران که توسط آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع نجف و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی از علمای تهران رهبری می‌شد، می‌بینیم.

همچنین از آنجا که یکی از اهداف اساسی این جنبشها، براندازی نظام سیاسی کشورها و تغییر وضع موجود است، فعالیت آنها از نظرگاه حکومتها غیرقانونی است. نکته دیگر آنکه جنبشهای شیعی، درست برخلاف نوع سنی آنها، کمتر بر اصلاح جامعه تأکید داشته و بیشتر بر انقلاب نظر دارند.



تأکید این جنبشها بر «جهاد» به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای استقرار حکومت اسلامی، مؤید این مطلب است. با این تعبیر، آنان با تأکید بر اصل «آمادگی برای ظهور منجی»، جهاد را مهم‌ترین راه برای رسیدن به این آمادگی برمی‌شمارند. در تاریخ جهان تسنن، جنبشی مانند جنبش ضد استعماری تنباکو به رهبری رهبران دینی که منجر به لغو امتیاز انحصار تنباکو در ایران شد و استبداد داخلی و استعمار خارجی، هر دو به زانو درآمدند و یا انقلابی مانند انقلاب عراق که علیه قیمومیت انگلستان بر کشور اسلامی عراق بود و منجر به استقلال عراق شد و یا قیامی مانند مشروطیت ایران که رژیم سلطنتی استبدادی ایران را مبدل به رژیم مشروطه کرد و یا نهضتی اسلامی به رهبری رهبران دینی مانند آن چه در ایران امروز می‌گذرد، مشاهده نمی‌کنیم. (۳۹)

نتیجه‌گیری

پرداختند. عدم اعتماد به عراقیها در ادارات و استفاده‌های هندیه و افسران جوان انگلیسی در ادارات و سیاستهای تفرقه‌افکنانه آنها از زمینه‌های شکل‌گیری قیام ۱۹۲۰م عراق محسوب می‌شوند.

هرچند قیام ۱۹۲۰م به دلایل مختلف از جمله عدم برابری نیروهای مردمی عراق در برابر نیروهای انگلیسی به شکست انجامید اما این قیام تأثیر زیادی در تغییر سیاستهای انگلستان در عراق و منطقه خاورمیانه داشت. از سوی دیگر یکی از نتایج مهم قیام ۱۹۲۰م این بود که عاملی برای اتحاد گروههای قومی و مذهبی عراق با یکدیگر شد؛ چنان که این گروهها فارغ از اختلافات خود، برای بیرون راندن اشغالگران از سرزمین خود با هم متحد شده و علیه آنها قیام کردند که در نهایت همین مسئله در سال ۱۹۳۲م باعث شد که انگلیس از قیمومیت خود دست برداشته و همچنین استقلال عراق را به رسمیت بشناسد. سه بر سوریه مورد تأیید قرار گرفت.

با بررسی قیام ۱۹۲۰م عراق متوجه شدیم که عامل اصلی شکل‌گیری ثورة العشرین، اشغال سرزمین عراق توسط نیروهای انگلیسی و سپس اقدامات مداخله‌گرانه آنها در کشور عراق بود. مردم عراق به هیچ‌وجه نمی‌توانستند سلطه بیگانگان و فعالیتهای آنان را در کشورشان بپذیرند از این‌رو از همان ابتدا به مقابله با اشغالگران انگلیسی برخاستند.

اگرچه انگلیسیها بارها با دادن شعارهای استقلال طلبی برای عراق، درصدد دلگرمی مردم عراق بودند و با در پیش گرفتن سیاست اتلاف وقت سعی در محکم کردن جای پای خود در این کشور را داشتند اما مردم عراق نه تنها فریب سیاست انگلیسیها را نخوردند بلکه با رهبری علما و مراجع تقلید به اشکال مختلف به مبارزه با آنها

پی‌نوشتها

۱. کنفرانسی از سران کشورهای پیروز در جنگ جهانی اول بود که طی آن قیمومیت انگلیس بر عراق و قیمومیت فرانسه بر سوریه مورد تأیید قرار گرفت.
۲. تاریخ سیاسی - اقتصادی عراق، صص ۲۹ - ۲۶.
3. white mansburdon
۴. تاریخ نوین عراق، صص ۶۶.
۵. الثورة العراقية الکبری، صص ۱۱۴.
۶. تاریخ نوین عراق، صص ۶۶.
۷. الحركة الاسلامیة فی العراق، صص ۱۸۱.
۸. العراق من الاحتلال حتی الاستقلال، صص ۷۹.

۹. الحركة الاسلامیة فی العراق، صص ۱۷۵.
۱۰. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴ - ۱۹۰۰م)، صص ۱۶۵.
۱۱. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، صص ۱۲۹.
۱۲. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴ - ۱۹۰۰م)، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.
۱۳. تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، صص ۱۷۲؛ نهضت روحانیون ایران، ج ۱، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.
۱۴. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴ - ۱۹۰۰م)، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.



۱۵. همان، ص ۲۰۷.
۱۶. تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.
۱۷. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴-۱۹۰۰م)، ص ۱۸۷.
۱۸. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ص ۱۳۶.
۱۹. همان، ص ۱۳۸.
۲۰. همان، ص ۱۳۹.
۲۱. همان، ص ۱۴۰.
۲۲. همان، ص ۱۴۱.
۲۳. همان، ص ۱۴۲.
۲۴. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴-۱۹۰۰م)، ص ۲۰۰.
۲۵. همان، ص ۲۰۱.
۲۶. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴-۱۹۰۰م)، ص ۲۰۲.
۲۷. برخی از عملیات نظامی در منطقه غراف و سوق الشیوخ تا نیمه‌های ژانویه ۱۹۲۱م ادامه داشت.
۲۸. همان، صص ۲۰۳ و ۲۰۲.
۲۹. تاریخ نوین عراق، صص ۶۹ و ۷۰.
۳۰. الحركة الاسلامیة فی العراق، ص ۱۲۳.
۳۱. تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ص ۲۸۲.
۳۲. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ص ۱۴۴.
۳۳. تاریخ العراق المعاصر، ص ۲۴.
۳۴. تاریخ نوین عراق، ص ۶۹.
۳۵. ریشه‌های تاریخی و اجتماعی جنبشهای اسلامی معاصر، ص ۱۳.
۳۶. همان.
۳۷. اسلام و استعمار، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.
۳۸. ریشه‌های تاریخی و اجتماعی جنبشهای اسلامی معاصر، صص ۷۶ و ۷۷.
۳۹. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۵۵ و ۵۶.

کتابنامه

۱. الرهیمی، عبدالحلیم، تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه محمد نبی ابراهیمی، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات، ۱۳۷۵ش.
۲. الرهیمی، عبدالحلیم، تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۲۴-۱۹۰۰م)، ترجمه جعفر دلشاد، اصفهان، انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۰ش.
۳. بزاز، عبدالرحمن، العراق من الاحتلال حتى الاستقلال، بغداد، مطبعة العانی، ۱۹۶۷م.
۴. حسین، فاضل، تاریخ العراق المعاصر، بغداد، جامعه بغداد، ۱۹۸۰م.
۵. بیگدلی، علی، تاریخ سیاسی-اقتصادی عراق، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸ش.
۶. پیترز، رادولف، اسلام و استعمار، ترجمه محمد خرقانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ش.
۷. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۸. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، مشهد، بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)، ۱۳۶۰ش.
۹. عبدالرزاق، الحسنی، الثورة العراقية الكبرى، بیروت، دارالکتب، ۱۹۸۲م.
۱۰. کاظمی کرهرودی، حسین، ریشه‌های تاریخی و اجتماعی جنبشهای اسلامی معاصر، تهران، نگار جاوید، ۱۳۸۴ش.
۱۱. مار، فب، تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباسپور، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۲. محمد کاظم، عباس، الحركة الاسلامیة فی العراق، بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول، ۱۹۸۴م.
۱۳. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، صدرا، ۱۳۸۶ش.
۱۴. نفیسی، عبدالله، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم جایچیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.

